اعطاي درجه به فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامي - 29 /بهمن/ 1369

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم
در ابتدا، به برادران عزيزي كه امروز درجات پرافتخار سرداري را زيب شانه‌ها و پيكرهاي زجرديده و آزمايش‌داده‌ي خود در ميدانهاي جنگ كردند، صميمانه و با همه‌ي وجود، تبريك عرض مي‌كنم.
دو، سه نكته‌ي كوتاه را مطرح مي‌كنم. مطلب اول اين است كه اگر ما بخواهيم با معيارهاي واقعي، زحمات و مجاهدات و تلاشهاي شما را اندازه‌گيري بكنيم، مطمئنا هيچ علامت و نشانه‌يي نخواهد توانست نشان دهنده‌ي عشري از اعشار فداكاريهايي باشد كه برادران مؤمن مجاهد دلسوز فداكار از جان گذشته، در ميدانهاي نبرد انجام دادند. درجات، علامت و قرارداد است. معناي درجه، به‌طور دقيق، ارزشگذاري بر فداكاريهاي بي‌حدواندازه‌ي يك فداكار ايثارگر نيست و نمي‌تواند باشد.
مطلب دوم اين است كه ما وقتي با همين ديد نگاه كنيم، براي شهداي عزيزمان، قادر به تعيين درجه نخواهيم بود، كه فرمود: "فوق كل بر بر حتي يقتل الرجل في سبيل الله": هر خوبي، يك خوبي برتر دارد، تا به كشته‌شدن در راه خدا برسد; "فاذا قتل في سبيل عزوجل فليس فوقه بر": بالاتر از آن، ديگر هيچ نيكي و خوبي‌يي متصور نيست و وجود ندارد. نهايت، براي اين‌كه در مجموعه‌ي نيروهاي مسلح، جاي هر كسي بايد معين باشد، ما براي شهداي عزيز هم به‌طور معمول، درجه در نظر مي‌گيريم و كساني كه به شهادت مي‌رسند، معمولا يك درجه بالاتر به آنها داده مي‌شود. اين، به معناي ارزشگذاري شهادت نيست; اين هم يك نوع احترام به شهيد است.
مطلب سوم اين است كه شما برادراني كه امروز درجه گرفتيد، خيلي عزيز هستيد; اما معناي اين حرف، آن نيست كه ما در سپاه پاسداران انقلاب اسلامي، اگر بخواهيم با ميزان دقيق اندازه‌گيري بكنيم، بتوانيم ادعا كنيم كه اندازه‌گيري كرده‌ايم و آنهايي را كه وزن و مبلغ فداكاريشان از همه بالاتر است، امروز درجه داده‌ايم. نه، من هرگز اين‌طور ادعايي نمي‌توانم بكنم و نمي‌كنم. اي بسا فداكاران، اي بسا بزرگمردان، اي بسا روحهاي پاك و متعالي، اي بسا لحظه‌هاي دشوار انجام وظيفه‌ي توصيف‌ناپذير در راه خدا، كه از چشم من و امثال من و برادران مسؤول در ستادهاي موظف در نيروهاي مسلح، دور مي‌مانند.
اين، ضعف و نقص ماست. اين، كم ارجي آن فداكاران عزيز نيست. ما محدود و ناقص و قاصريم و نمي‌توانيم حقايق و واقعيات را به شكل دقيق مشاهده كنيم. اين، محدوديت بشري است. بالاخره يك عده از بهترينها و برترينها و امتحان‌داده‌ها، بايد در وهله‌ي اول، به گرفتن درجه مفتخر مي‌شدند، كه امروز اين جمع عزيز، انتخاب شدند. اجر و ارج و ارزش و مقدار تلاشي كه ديگر برادران كردند ـ كه لابد در نوبتهاي بعد، به آنها درجه داده خواهد شد ـ بايستي محفوظ باشد و پيش خدا و پيش انسانهاي بصير، محفوظ است.
مطلب چهارم اين است كه درجه، يك علامت و نشانه است. پشت اين علامت، خيلي چيزها هست كه بايد دقيقا با درجه حاصل بشود. درجه، به معناي يك نظم دقيق و تعيين موضع و ارتباط ويژه در ميان كساني است كه در خدمت دفاع از انقلاب و كشورند. اين نظم و اين سامان منظم بايد حتما با درجه، حضور و وجود پيدا كند; والا درجه بي‌معنا خواهد شد.
منطق نظامي، منطق نظم است. حيطه‌بندي نظامي، اساسا با نظم انجام مي‌گيرد و بدون نظم، نظام و سازمان نظامي وجود ندارد. آن چيزي كه حد فاصل بين يك سازمان نظامي و خارج از آن و غير آن است، همين نظم دقيقي است كه بايد رعايت بشود. اين نظم، با درجه وارد نمي‌شود; بلكه مطمئنا بايستي مقدمات آن، پيش از درجه تأمين بشود و شده است; منتها اين درجه هم، تأكيد كننده‌ي آن است. چه در ارتش، چه در سپاه و چه در آينده كه نيروهاي موظف بسيجي درجه خواهند گرفت، همه‌ي اينها بايستي آن نظم عالي و ناب اسلامي را به آن كساني كه با اين لباس، مفتخر و سرافراز هستند، ببخشند و اين را در مجموعه‌ي تحت فرمان خودشان، اعمال و اجرا كنند. اين، يك مسؤوليت است.

به برادراني كه گاهي به اين‌جا مي‌آيند، تا برايشان عمامه بگذاريم، مي‌گوييم اين عمامه‌يي كه من و شما سرمان است، وزن كمي دارد و چند سيري بيشتر نيست ـ البته عمامه‌ي امثال من ـ اما بار خيلي سنگيني است. گردنهاي ضعيف، مطمئنا زير اين بار سنگين مي‌شكنند. بايد از لحاظ معنوي، گردن‌كلفت بود، تا بشود اين بار را تحمل كرد. حالا من به شما برادران عزيز مي‌خواهم همين نكته را عرض بكنم. اين چند مثقالي كه وزن اين درجه است، خيلي سنگين است. اين كار، خيلي بزرگ است. درست است كه شما تا كنون بدون درجه، همه كار كرديد، به ميدانهاي نبرد رفته‌ايد، جنگيده‌ايد، فداكاري كرده‌ايد، تا پاي جان پيش رفته‌ايد، بعضي از شما كه اين‌جا نشسته‌ايد، شايد عضو درست و حسابي سالم در بدنتان كم است، شايد مبالغ زيادي تركش بمب و اين چيزهاي زيادي و غصبي (!) در بدن شما هست ـ اينها مسلم و معلوم ـ اما بايد بدانيد آنچه كه از اين لحظه با اين خصوصيات بر دوش شما بار مي‌شود، بار سنگيني است و ان‌شاءالله بايستي اين بار را با توانايي‌يي كه ناشي از ايمان است، به منزل برسانيد.
خوشحاليم كه امروز بحمدالله شما جوانان پاك و مؤمن و خالص ـ چه سپاهي و چه ارتشي ـ اين مراتب بالاي نظامي را برعهده داريد; واقعا مايه‌ي خوشحالي است. ما كجا ديگر مي‌توانيم در دنيا، در اين درجات، با اين نامها، با اين عنوانها، اين‌طور انسانهاي مؤمن و سالم و خالص و پاك و با خدا پيدا كنيم؟ اين، از بركات جمهوري اسلامي است و خدا را شكرگزاريم.
اميدواريم كه ان‌شاءالله خداوند روزبه‌روز ماها را در راه خودش موفقتر بكند و پيشتر ببرد. امروز كه بحمدالله عمده‌ي نيروهاي نظامي ما، با اين درجات مدرج شدند و سازماندهيها هماهنگ شده، توقع و انتظار اين است كه همكاريها هم بين سازمانهاي نظامي، به همين ترتيب روزبه‌روز ان‌شاءالله افزايش پيدا كند و با هم همكاري و همدلي كنند; همان‌طور كه دايما وصيت امام عزيزمان بود.
اميدواريم كه ان‌شاءالله با فداكاريها و قدرت و دل مصمم و عازم شما بر دفاع از ارزشهاي الهي و اسلامي، روزبه‌روز جمهوري اسلامي از لحاظ نظامي، قويتر و موفقتر بشود.

والسلام عليكم و رحمه‌الله و بركاته